

صلى الله عليه وسلم

تأیید اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای محی الدین آیین تحت عنوان: بررسی عناصر خیر و شر در نگارگری سنتی ایران (مطالعه موردی نسخ شاهنامه) - پروژه عملی: «چشمان باز بسته» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	مربی	مرتضی حیدری	۱- استاد راهنما
	مربی	محسن مرآتی	۲- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر محمد کاظم حسونند	۳- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر محمد خزائی	۴- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر محمد کاظم حسونند	۵- نماینده تحصیلات تکمیلی

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۲ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب..... دانشجوی رشته..... (فناوری)..... ورودی سال تحصیلی.....»
مقطع..... دانشکده..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ:.....

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته
سال در دانشکده

سرکار خانم/جناب آقای دکتر . مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد ابراهیم دانشجوی رشته تاریخ مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محمد ابراهیم

تاریخ و امضا:

۱۱ اردیبهشت ۹۰



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده : هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: نقاشی
عنوان پایان نامه:
بررسی عناصر خیر و شر در نگارگری سنتی ایران
(مطالعه موردی نسخ شاهنامه)
پروژه عملی:
چشمان باز بسته

محی الدین آیین

استاد راهنما:
مرتضی حیدری

تیر ۱۳۸۹

تقدیم به روح پدرم، مادر نازنینم ، همسر و دخترم که همیشه ماندگارند.

باتشکر از استاد گرامیم آقای مرتضی حیدری و تمام کسانی که مشوق و همراه
من در این پروژه بودند

چکیده

یکی از موضوعاتی که ذهن بشر را همواره متوجه خود کرده است موضوع خیر و شر است . انسان مادام که به خیری اندیشد وجوه شر و شرارت را در مقابل آن تصور می کند و این معنا همواره در داستانها و قصص دینی حضوری جدی داشته است. از میان این آثار «شاهنامه» یکی از شاخص ترین داستانهای اسطوره ای است که به شایستگی به موضوع خیر و تقابل آن با شر پرداخته است . از این رو این اثر جاودانه برای نقاشان سنتی ایران (نگارگران) موضوعی با اهمیت جلوه کرده است . بدیهی است که هنر نگارگری مسئولیت روایت داستانهای شاهنامه را به شایستگی پذیرفته است . اما آنچه که در این تحقیق اهمیت بیشتری یافت، بیان هنری فراتر از شاهنامه بود که توسط نگارگران فرهیخته به آن همت گماشته اند . به جهت شناخت رموز معنوی این آثار به تحلیل محتوایی در این پایان نامه اقدام شده است که یافته هایی بدین قرار حاصل آمده است:

- ۱- صحنه های جدال خیر و شر به بهترین شیوه توسط هنرمندان همانند سلطان محمد و... به تصویر کشیده شده که واجد مراتبی از خلاقیت است که قبل از آن در تاریخ هنر ایران سابقه ندارد.
- ۲- نگارگران ایرانی ضمن پذیرفتن مسئولیت روایتگری به مدد قوه خیال خلاق خود از متن فراتر رفته و به بیانی موجز و فاخر دست یافته اند .
- ۳- رمزپردازی و ابداعات خاص، خلاقانه در جزء و کل ، نشانه ی قدرت خلاقیت و نگره ی حکمی نگارگران ایرانی است که در فصل سوم بدان اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: خیر و شر ، فردوسی ، نگارگری ، شاهنامه ، اسطوره

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
و	فهرست شکلها..... و
۱	مقدمه..... ۱
۳	فصل اول : خیر و شر..... ۳
۳	۱-۱ خیر و شر از دیدگاه متفکران..... ۳
۵	۱-۱-۱ خیر و شر از دیدگاه متفکران اسلام..... ۵
۷	۲-۱-۱ راه حل‌های ارائه شده برای مسأله شرّ..... ۷
۷	۱-۲-۱-۱ شرّ، لازمه تعالی روح انسانی..... ۷
۸	۲-۲-۱-۱ نظریه تقسیم گرایانه..... ۸
۹	۳-۲-۱-۱ شرور، مبدأ خیرات..... ۹
۱۰	۴-۲-۱-۱ شرور، لازمه خیرهای برتر..... ۱۰
۱۰	۵-۲-۱-۱ شرّ، لازمه اختیار..... ۱۰
۱۱	۶-۲-۱-۱ شرّ، معلول جهل..... ۱۱
۱۳	۳-۱-۱ تحلیل حقیقت خیر و شر..... ۱۳
۱۳	۱-۳-۱-۱ تحلیل نخست..... ۱۳
۱۳	۲-۳-۱-۱ تحلیل دوم..... ۱۳
۱۴	۲-۱ اقسام شر ۱۴
۱۷	۳-۱ گفتاری چند در پیشینه دو مفهوم « خیر » و « شر » ۱۷
۱۷	۱-۳-۱ ستیز میان خدایان و دیوان ۱۷
۱۹	۲-۳-۱ برخورد خیر و شر از دیدگاه ایرانیان باستان ۱۹
۳۰	۲-۴-۱ پیکار ابدی انسان با دیو..... ۳۰

فصل دوم: معرفی عناصر اهورایی و دیوها	۳۴
۱-۲ دیوها	۳۴
۱-۱-۲ دیو در اساطیر بین النهرین	۳۵
۱-۱-۱-۲ لمستو	۳۶
۱-۱-۲ پزوزو	۳۷
۱-۱-۲ هفت دیو	۳۷
۱-۱-۲ شیر دیو	۳۸
۱-۱-۲ گالا (گلو)	۳۸
۱-۱-۲ اسکو	۳۸
۱-۱-۲ هواوا (هوامبابا)	۳۹
۱-۲ دیو در اساطیر ایران	۴۰
۱-۲ دیو در شاهنامه	۴۳
۱-۲ بررسی چنددیو در شاهنامه فردوسی	۴۳
۱-۴-۲ دیو سپید	۴۴
۱-۴-۲ اکوان دیو	۴۵
۱-۴-۲ سیه دیو	۴۵
۱-۴-۲ بچه دیو (خروزان)	۴۶
۲-۲ نیروهای خیر	۴۶
۱-۲-۲ آهوره مزدا ، سرور دانا	۴۷
۲-۲-۲ وهومنه [بهمن] ، اندیشه‌ی نیک	۴۸
۳-۲-۲ اشه [اردیبهشت] ، راستی	۴۸
۴-۲-۲ خشنتره ویریه [شهریور] ، شهریاری مطلوب	۴۹

- ۴۹ ۵-۲-۲ ازمیّتی [اسپندارمد] ، اخلاص
- ۵۰ ۶-۲-۲ هوروات [خرداد] و امیرتات [مرداد] کمال بی مرگی
- ۵۰ ۷-۲-۲ سروشه [سروش] ، فرمانبرداری
- ۵۲ ۳-۲ ایزدان یا موجودات ستودنی
- ۵۳ ۱-۳-۲ (تیشتریه یا تیشتر) و دیو خشکسالی
- ۵۴ ۲-۳-۲ (آناهیتا یا ناهید): خدای آب های نیرومند بی آرایش
- ۵۵ ۳-۳-۲ اندورثرغنه یا بهرام:
- ۵۵ ۴-۳-۲ (رپیثوین): سرور گرمای نیمروز
- ۵۶ ۵-۳-۲ هومه یا هوم
- ۵۷ ۶-۳-۲ یمه یا جم
- ۵۸ ۷-۳-۲ هوشنگ و تخمورو (تهمورث)
- ۵۹ ۸-۳-۲ ثریته (اثرط)، ثریتونه (فریدون)
- ۶۰ ۹-۳-۲ سیمرغ در اسطوره های ایرانی
- ۶۱ ۴-۲ مقایسه شاهنامه با اساطیر یونان (شاهنامه، ایلید و اودیسه)
- ۶۲ ۱-۴-۲ علت همسانی اندیشه ها و اعتقادات فردوسی و هومر
- ۶۳ ۲-۴-۲ قهرمانهای مشابه در شاهنامه و ایلید و اودیسه
- ۶۳ ۱-۲-۴-۲ سیاوش و بلورفون
- ۶۶ ۲-۲-۴-۲ آخیلوس و اسفندیار
- ۶۷ ۳-۲-۴-۲ هکتور و اسفندیار
- ۶۸ ۴-۲-۴-۲ اولیس و رستم
- ۶۹ ۵-۲-۴-۲ آخیلوس و رستم
- ۷۰ ۶-۲-۴-۲ هکتور و رستم

۷۱ زال، اودیپ، پاریس..... ۷-۲-۴-۲
۷۳ فصل سوم: تحلیل محتوایی و زیبایی شناختی.....
۷۳ ۱-۳ نقش رنگ در تصاویر شعری شاهنامه.....
۷۵ ۱-۱-۱ کارکرد رنگ سیاه و سپید در شاهنامه.....
۷۵ ۱-۱-۱-۳ بررسی رنگ سیاه.....
۷۷ ۲-۱-۱-۳ بررسی رنگ سپید.....
۷۹ ۲-۲-۳ رنگ و تجلی آن.....
۸۱ ۳-۳ قهرمانان شاهنامه.....
۸۳ ۴-۳ بررسی نگاره ها.....
۸۳ ۱-۴-۳ سیمرغ زال را به البرز کوه می برد.....
۸۷ ۲-۴-۳ به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند.....
۹۱ ۳-۴-۳ رستم و اکوان دیو.....
۹۳ ۴-۴-۳ بهرام گور در حال کشتن اژدها.....
۹۴ ۵-۴-۳ جنگ اسکندر و اژدها.....
۹۶ ۶-۴-۳ کاوه طومار ضحاک را پاره می کند.....
۹۸ ۷-۴-۳ گذشتن سیاوش از آتش.....
۱۰۰ ۸-۴-۳ جنگ رستم با ارزنگ دیو.....
۱۰۴ نتیجه.....
۱۰۷ منابع و مأخذ.....
۱۱۰ شرح و تصاویر پروژه عملی.....
۱۲۰ چکیده انگلیسی.....

فهرست تصویرها/شکلها

صفحه	عنوان
۵۴	۱-۲. پیکر ناهید درون طاق بستان
۵۸	۲-۲. یمه (جم) هندی
۶۱	۳-۲. تیامات (سیمرغ یمی، الههٔ مادر مردمان بومی کهن فلات ایران)
۸۵	تصویر ۱-۳. زال سیمرغ را به البرز کوه می برد
۸۷	تصویر ۲-۳. به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند
۸۸	تصویر ۳-۳. بخشی از تابلوی به بند کشیدن ضحاک
۸۹	تصویر ۴-۳. بخشی از تابلوی به بند کشیدن ضحاک
۹۰	تصویر ۵-۳. بخشی از تابلوی به بند کشیدن ضحاک
۹۲	تصویر ۶-۳. اکوان دیو رستم را به دریا می اندازد
۹۴	تصویر ۷-۳. بهرام گور در حال کشتن اژدها
۹۵	تصویر ۸-۳. جنگ اسکندر و اژدها
۹۷	تصویر ۹-۳. کاوه طومار ضحاک را پاره می کند
۹۹	تصویر ۱۰-۳. گذشتن سیاوش از آتش
۱۰۲	تصویر ۱۱-۳. جنگ رستم با ارژنگ دیو

مقدمه

اعوذ بالله من الشیطان رجیم «بسم الله الرحمن الرحیم»

در همین سر آغاز کلام که شروعی است با نام حضرت رحمان ، موضع «خیر» و «شر» نیک پیداست چرا که قبل از آن که نام حضرت حق (که خیر محض است) جاری شود نسبت به شیطان رجیم (رانده شده) موضعی صریح ضرورت می یابد. چرا که ما همواره میان دو قطب خیر و شر (حق و باطل) واقع هستیم . گویا از آن هنگام که بشر «قالو بلی» گفت: مفهوم و معنای خیر و شر را نیک در یافت زیرا که حضرت حق فرموده است «فالهّمها فجورها و تقویها» به حقیقت بشر هرگاه به ضمیر خود(خویشتن خویش) رجوع کرده چنین معنایی را در خود یافته است. بدین سان رویارویی خیر و شر در موضع فردی یا جمعی (اجتماعی) همواره بروزی آشکار داشته است.

شایان ذکر است که این معنا در همه داستان های اسطوره ای ملل به روشنی باز تابیده است . یکی از شاخص ترین داستان های اسطوره ای ملل شاهنامه فردوسی می باشد که مولف ارجمند آن با نام «خداوند جان و خرد» سخنش را شروع می کند ، همه همتش را مصروف تبیین رویارویی خیر و شر کرده است. فردوسی خود در قبال توصیف عناصر خیر یا شر موضعی متفاوت اتخاذ کرده است به گونه ای که برای خیر خواهان و نیکوکاران هیئتی شکیل و زیبا تصور می کند و تبهکاران بد فرجام را سیه رو و دوژم و ناموزون توصیف می کند. بطور مثال همسر رستم(مادر سهراب) که زنی خردمند و قهرمان پرور است چنین توصیف کرده :

روانش خرد بود و تن جان پاک

تو گفتی که بهره ندارد ز خاک

پس پرده اندر یکی ماه روی

چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی

دو ابرو کمان و دو گیسو کمند

به بالا به کردار سرو بلند

شاید راز ماندگاری سخن گرانسنگ حکیم طوس موضع گیری جانانه او در قبال قهرمانان نیکومنش و نکوهش سیه رویان پلشت ، نهفته باشد. لذا از یک سو قدرت بیان و زیبایی کلام و از طرفی دیگر توصیف های زیبای جنگ و رویارویی خیر و شر ، سبب ماندگاری این اثر حماسی شده است و صد البته منطق استوار حکیم طوس که نگره ی حکمی اش به وضوح ستون خیمه بلند این اثر جاودانه شده است .

به هر تقدیر توصیف زیبا و حکیمانه فردوسی از این رویارویی اجتناب ناپذیر (خیر و شر) به مدد بهره گیری از استعاره و تشبیهات سمبلیک با کلام منظوم و پر طنین اش به حماسه ای سترگ و بی بدیل تبدیل شده است. از این روست که نگارگران و نقاشان بزرگ ایران زمین نیز طی قرون متمادی به تصویر گری این اثر اصیل همت گماشته اند.

البته رویکرد این پایان نامه به داستانهای شاهنامه خواهد بود که به نوعی در آن رویارویی خیر و شر بارز است .

خیر و شر

یکی از مباحث دشوار و توان‌سوز کلامی، بحث خیر و شر است. این بحث پیشینه‌ای بس بلند دارد. اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ دینداری به بحث و بررسی مسئله شرور پرداخته‌اند. شماری، شرور عالم را ناسازگار با خداوند و صفات حق تعالی می‌دانند و عده‌ای ناسازگاری شرور با منشأیت وجود خدا و صفات حق تعالی را بر نمی‌تابند و به شبهات ملحدان پاسخ می‌دهند.

۱-۱ خیر و شر از دیدگاه متفکران

در جمهور افلاطون، وجود شرور ناسازگار با خیرخواهی خداوند نمایانده شده است و نسبت شرور به خدا انکار شده است:

«گفتم: آن‌چه به نظر من می‌رسد این است که شاعر در تصنیفات خود اعم از حکایات و غزلیات و تراژدی‌ها باید همیشه خدا را چنان که هست توصیف کند. گفت: راست است. گفتم آیا صفت ذاتی خداوند خوبی نیست و آیا توصیف خداوند ذکر خوبی او نیست؟ گفت: چرا. گفتم مگر نه این است که آن‌چه خوب باشد زیان‌آور نمی‌تواند بود؟

گفت: به عقیده من همین طور است. گفتم: البته آن‌چه زیان‌آور نباشد امکان زیان رساندن در آن نیست. گفت: البته. گفتم مگر نه این است که آن‌چه منشأ شر نباشد مسبب شر نیز نخواهد بود؟ گفت: همین است. گفتم آن‌چه این است که آن‌چه خوب است عمل خیر از آن ظاهر می‌شود؟ گفت: چرا. گفتم: پس هر آن‌چه خوب باشد مسبب خیر است. گفت: آری. گفتم: بنابراین آن‌چه خوب باشد مسبب همه چیز نمی‌تواند بود بلکه فقط منشأ خیر است نه منشأ شر»^۱.

از آن جمله است این گفتار سخیف که «در آستانه قصر زئوس دو سبو نهاده‌اند یکی پر از سرنوشت خوب یکی پر از سرنوشت بد و هر گاه خدا نصیب کسی را از هر دو سبو مقرر کند زندگی آن شخص گاه قرین شادی و گاه قرین حزن و الم است اما کسی که فقط از سبوی دوم بهره ببرد همواره

۱- افلاطون، جمهور، ترجمه حسن فتحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳

دچار بدبختی و گرسنگی خواهد بود و نیز باید این قول را رد کنیم که «هم خیر و هم شر هر دو از جانب خدا است».

و نیز نخواهیم گذاشت این سخنان اسکلیوس به گوش جوانان برسد که می‌گوید: «خدا هنگامی که بخواهد خانه کسی را از بن براندازد او را به گنهکاری و می‌دارد تا مستوجب کیفر گردد... اگر کسی خداوند را که خیر محض است مسبب شر معرفی کند ما باید با تمام قوا بکوشیم که در شهر ما احدی چنین سخنی نگوید و نشنود تا شهر ما لایق قوانین نیکو باشد. باید پیر و جوان را از نقل این اقوال خواه به نظم خواه به نثر باز داریم. زیرا گفتن چنین چیزها مخالف دینداری و این اقوال مضر و متناقض است. گفت: درباره این قاعده من با تو هم عقیده هستم و آن را می‌پسندم. گفتم پس در مورد خدایان این نخستین قاعده ما خواهد بود که گویندگان و شعرای ما باید در گفته‌های خود آن را رعایت کنند؛ یعنی خداوند منشأ همه چیز نیست بلکه تنها منشأ خیر است.»^۱

اپیکور (۳۴۲-۲۷۰ ق.م) دیگر اندیشمند جهان غرب در روزگار باستان می‌گوید:

«آیا خدا می‌خواهد از شر جلوگیری کند اما قادر نیست؟ در این صورت او قادر مطلق نیست. آیا قادر است اما نمی‌خواهد؟ در این صورت بدخواه است. آیا هم قادر است هم می‌خواهد؟ در این صورت شر از کجا است؟»^۲

گوستین قدیس (۴۳۰-۳۵۴) از ناسازگاری شرور با صفات خدا می‌گوید:

«خدا یا نمی‌تواند شر را براندازد یا نمی‌خواهد اگر نمی‌تواند پس همه توانا نیست و اگر نمی‌خواهد بنابراین همه خیر نیست.»^۳

در نگاه هیوم فیلسوف برجسته غرب نیز میان شرور و وجود خدا ناسازگاری وجود دارد. او در

قالب یک برهان دو وجهی این ناسازگار را این گونه تقدیر می‌کند:

۱- افلاطون، جمهور. ص ۱۳۵

۲- جان هاسپرس، درآمدی به تحلیل فلسفی، موسی اکرمی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹، ص ۵۲۲

۳- براین دیویس، درآمدی به فلسفه دین، ملیحه صابری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸، ص ۲۹

«اگر شر در جهان خواست خداست، در این صورت او نیکخواه نیست. اگر شر در جهان برخلاف خواست اوست، در این صورت او قادر مطلق نیست؛ اما یا مطابق خواست او یا بر خلاف آن است. بنابراین یا خدا نیکخواه نیست یا قادر مطلق نیست.»^۱

از نگاه افلاطون نگرشی به این موضوع را می بینیم:

«گفتم: پس بر خلاف عقیده عموم، خداوند چون خوبست مسبب همه چیز نیست، بلکه فقط جز کوچکی از آن چه برای انسان رخ می دهد از جانب خدا است و آن خیر است و حال آن که قسمت اعظم آن چه بر بشر وارد می شود یعنی شر از جانب خدا نیست. به عبارت دیگر هر آن چه خیر است جز خدا مسببی ندارد ولی منشأ شر غیر از خدا است. گفت: به نظر من استدلال تو بسیار صحیح است. گفتم پس ما باید از شبهه‌هایی که هومر یا شعرای دیگر درباره خدایان القا کرده‌اند بپرهیزیم»^۲.

۱-۱-۱ خیر و شر از دیدگاه متفکران اسلام

در جهان اسلام نیز گروهی به بحث و بررسی شرور پرداخته‌اند. برخی، شرور را با صفات آفریدگار ناسازگار می خوانند. برای نمونه واصل بن عطاء بنیان گذار فرقه معتزله آفریدگار هستی را حکیم و عادل می خواند و نسبت ظلم و شر را به خدا ناروا می داند:

«آفریدگار هستی حکیم و عادل است. نسبت ظلم و شر به خالق هستی روا نیست و اراده اینکه عباد خلاف آن چه به ایشان امر کرده انجام دهند جایز نیست، و روا نیست خداوند بندگان خویش را به انجام کاری حکم کند و ایشان را به جهت انجام آن کار مجازات کند. بنابراین بندگان خود فاعل خیر و شر، ایمان و کفر و طاعت و معصیت هستند و به فعل خویش مجازات می شوند.»^۳

۱- برای دیویس، پیشین، ص ۵۲۳

۲- افلاطون، جمهور، پیشین، ص ۱۳۶

۳- عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، قم، شریف رضی، ۱۳۶۷، ص ۵۱

ابن سینا فیلسوف برجسته جهان اسلام نیز در کتاب «النجاة» فصلی دارد در بیان کیفیت دخول شرور در قضاء الهی و انواع شر. به باور ابن سینا توصیف خداوند به خیر محض با وجود شرور در عالم هستی سازگار نیست.^۱

لاهیجی نیز در گوهر مراد از ناسازگاری صفات خدا با وجود شرور می گوید:

«چون ثابت شد که جمیع موجودات واقعند به قضا و قدر الهی و از جمله موجودات به حسب ظاهر شرور است که واقع است در عالم. پس لابد است از بیان آن که صدور شر از خیر محض چگونه ممکن تواند بود و لابد است اول از تحقیق ماهیت شر»^۲

اما شیخ اشراق، سهروردی معتقد است شر هیچگونه ذات و تحقیقی ندارد و اگر احیاناً برخی از موجودات، شر محسوب می شوند به لحاظ ارتباط آنها با دیگر موجودات است، زیرا ممکن است از موجود دیگر سلب کمال کنند و اگر موجودی باعث اختلال در هیأت کمالیه و اعتدال موجود دیگری نشود، برای خودش و دیگر موجودات منشأ شر نخواهد بود. او می گوید ممکنات در ارتباط با شرور دو قسمند؛ برخی از ممکنات هیچ گونه شری در آنها نیست، مثل عقول و مجردات و برخی دیگر از ممکنات هستند که خیر در آنها غالب است و شر اندکی ملازم آنها است، مثل موجوداتی که در عالم جسمانی هستند مثلاً در آفرینش آتش، منفعت بیش از ضرر است یا مار وجودش خیر است، اما گاه موجب می شود به دیگری ضرر آید و... او در کتابش مشارع و مطارحات می گوید وجود و نظام وجودی نمی توانست بهتر از آنچه هست باشد و لازمه این نظام احسن این است که تصادمات وجود داشته باشد و این لوازم (شرور) به ماهیات اشیاء برمی گردد، نه به وجود آنها.^۳

اما شهید مطهری پس از آن که ماهیت شر را عدمی می داند، به تقسیم شرور پرداخته و آن را به شرّ درجه اول و درجه دوم تقسیم می کند. شرّ درجه اول شری است که از نوع نیستی است، مثل نادانی که ذاتاً نیستی و عدم است و شرّ درجه دوم، هستی است که مستلزم نوعی نیستی است، یعنی

۱- ابن سینا، النجاة، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۶۸

۲- عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۲، ص ۳۲۳

۳- حسن سعیدی، نگرشی بر اصالت ماهیت و وجود در آثار شیخ اشراق سهروردی؛ ص ۶۳ - ۶۵.

موجودی که خودش از آن جهت که خودش است، خوب است و از آن جهت بد است که مستلزم یک نیستی است مثل گزندگان.^۱

۱-۱-۲ راه حل‌های ارائه شده برای مسأله شرّ

ادیان موجود در جهان از جهت پاسخ‌گویی به مسأله شرّ به سه دسته قابل تقسیم‌اند:

دسته اول: ادیانی که شرّ را امری موهوم و پنداری می‌دانند. گفته می‌شود ریشه همه این ادیان به برخی مکاتب هندوئیسم باز می‌گردد.

دسته دوم: ادیانی که دیدگاه ثنوی و دوانگاران دارند. مطابق این ادیان شرّ امری واقعی و غیر پنداری است، اما دارای منبعی مستقل و کاملاً متفاوت با منبع خیر است. از شاخص‌ترین مصادیق این گروه، آیین زرتشتی است.

دسته سوم: ادیانی که نه به موهوم بودن شرّ معتقدند و نه تعدد مبدأ خیر و شرّ را می‌پذیرند، بلکه معتقدند شرّ واقعیت دارد و مبدأ خیر و شرّ خدای واحد است.

از این سه گروه تنها گروه سوم است که با مسأله شرّ به عنوان یک معضل جدی در حوزه جهان‌شناسی و متافیزیک مواجه است، اما دو گروه نخست بر اساس مبانی خود، مشکل‌چندانی ندارند. جواب‌هایی که گروه سوم ارائه نموده‌اند به این قرار است:

۱-۱-۲-۱ شرّ، لازمه تعالی روح انسانی

اکثریت متألهان قائلند سعادت و کامروایی واقعی و بدون درد و رنج برای انسان در دنیای فعلی ممکن نیست، بلکه این دنیا نردبان تکامل و نیل انسان بر بام سعادت موعود و ابدی در سرای دیگر است که با امتثال تکالیف الهی و با اعمال نیک و شایسته، نفس و روح انسانی مصفا شده، زمینه تکامل و تعالی را فراهم می‌کند.

۱- مهین رضایی؛ و عدل الهی، تهران: دفتر پژوهشی و نشر سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۴۷